

نقد و بررسی معاونت سینمایی در دولت سیزدهم

محمود گبرلو؛ منتقد سینما

نیاز به مدیریتی متفاوت
در شرایط بحران

جدید حرکت در راستای شفاف‌سازی است؛ اقدامی که گام بسیار مثبت و خوبی در راه بهبود وضعیت سینما در ایران است. هر چند این شفاف‌سازی از دوره‌های قبل شروع شده بود اما خوشحالم که آقای خزاعی همه هم‌وغمشان را برای رفع مشکلات سینما و تجمیع نظرات کارشناسی برای رسیدن به یک جمع‌بندی مطلوب می‌گذارند و در این میان تلاش در یک عملکرد شفاف دارند.

دلایل عدم موفقیت سازمان سینمایی

اینجا بار دیگر تاکید می‌کنم که شرایط را باید در نظر گرفت و بحران‌های پیش روی دولت قبل را، اما چند دلیل را می‌توان برای عدم موفقیت تیم دولت سیزدهم برشمرد که طبیعتاً می‌تواند برای تیم جدید دولت جدید مناسب و راه‌گشا باشد.

اول: ایجاد تعامل به جای ایجاد تهاجم در عرصه سینما! در یک شرایط بحرانی یک هنرمند بر خلاف سایر قشرها و صنوف اجتماعی و سیاسی می‌تواند با روش‌های خود فضای ملتهب را تبدیل به آرامش کند. چون ابزار کار او با افکار و اندیشه عمومی سروکار دارد و می‌تواند در ایجاد بحران و یا کاهش بحران اجتماعی نقش آفرینی کند. در چنین موقعیتی، حاکمیت که معمولاً در شرایط بحرانی متوسل به ایجاد قوانین محکم برای آرامش بیشتر می‌شود به خصوص در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌بایست عرصه تعامل و تحمل خود را بیشتر کند و با محبت و آرامش و صبوری و گذشت از برخی خطاها و اشتباهات جزئی، زمینه را برای همکاری و هم‌پاری بیشتر همه هنرمندان فراهم آورد.

دوم: استفاده بهینه از تمام صنوف سینمایی یکی از راه‌کارهای مناسب است که در دولت سیزدهم کنار گذاشته شد.

سوم: روش دیگر ارائه فکر و اندیشه نوین و حمایت از جریان تفکر و اندیشه در سینماست که باعث رشد و توسعه فکری جامعه و طبیعتاً

تحلیل مدیریت سینمای دولت سیزدهم بدون توجه به حاشیه‌های اجتماعی و سیاسی آن دوران، تحلیل دور از انصافی است. پدیده کرونا آسیبی جدی به تعداد مخاطبان سینما زده بود و باعث ورشکستگی اقتصاد سینما شد. پدیده اینترنت و گستردگی پخش فیلم در ابعاد جهانی نیز نوع رقابت و شیوه بازی و حکمرانی را تغییر داد. اتفاقات و اعتراضات اجتماعی ایران هم یک نوع قهر و کناره‌گیری برخی عوامل سینمای ایران را موجب شد که نمونه‌اش ایجاد بحران در جشنواره فیلم فجر بود. علاوه بر آن سیستم مدیریت کهنه باز مانده از دوران قبل هم کارساز و کارآمد شرایط روز سینمای ایران نبود.

در چنین وضعیت اسفباری قرعه مدیریت سینمای ایران دامن گیر دولت سیزدهم شد. طبیعتاً این عوامل نیاز به مدیریتی متفاوت، مدبر و نوآور در شرایط بحران داشت.

حدس و گمان اولیه این بود که تیم فرهنگی سینمایی دولت سیزدهم با اشراف بر این موضوعات وارد میدان می‌شود و شاید به همین دلایل «محمد خزاعی» که مدیر اجرایی خوبی بود و پیشینه‌اش، همیشه عامل وفاق و همراهی در سینمای ایران به شمار می‌آمد، به سمت ریاست سازمان سینمایی منصوب شود، اما علیرغم آن که احساس می‌شد تیم فرهنگی سینمایی دولت سیزدهم به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی نزدیک‌تر است و دل‌سوزانه قصد خدمت‌گزاری و رعایت عدالت و انصاف، بدون حاشیه‌های رایج که سیستم را قفل کرده و به بن‌بست رسانده را دارند، با آغاز فعالیت‌ها و انتصابات و همچنین اظهار نظرها و ارائه تئوری‌های فرهنگی سینمایی مشخص شد آن اشرافی که لازم است بر شرایط موجود و بویژه بحران‌هایی که اشاره شد ندارند و شیوه مدیریت اجرایی آنان، کارآمد و مناسب شرایط روز نبوده است و متأسفانه بالاگرفتن تنش‌ها و هنگامی که بر خلاف تلاش‌های قابل تمجید اولیه، دیگر شرایط پذیرش گفت‌وگو و اقتناع‌پذیری را نداشتند، به سیستم توبیخ متوسل شدند، آن‌چنان که نتوانستند از پرخاشگری، تنش، قهر و عصبانیت در میان اهالی سینما بکاهند و شاید به همین دلیل است طیف‌های مختلف سینما چه موافق و چه مخالف دولت سیزدهم، با این شیوه مدیریتی همراهی نکردند.

عملکرد مثبت مدیران سینمایی در دولت